

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Analysis of the Scope of the Crime of Threat in Iranian Criminal Law with Emphasis on Non-Explicit Implied Threats

Hossein Heydari^{1*}

1. MA, Department of Criminal Law and Criminology, Payame Noor University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: hosein_s60@yahoo.com

ABSTRACT

The crime of threat, particularly in its non-explicit and implied form, is one of the most challenging issues in Iranian criminal law. Article 669 of the Islamic Penal Code (Book Five: Ta'zirat) employs the phrase "by any means whatsoever," thereby allowing the inclusion of indirect, implied, and non-verbal threats within its scope. Nevertheless, distinguishing such threats from concepts such as ordinary teasing, reasonable warnings, or jokes requires precise customary, contextual, and psychological criteria. This article adopts a descriptive-analytical approach and relies on library-based sources and judicial practice to examine the foundations, elements, and scope of implied threats in Iranian law. The findings indicate that the realization of an implied threat depends upon establishing two essential elements: criminal intent (specific mens rea) and the creation of reasonable fear in the recipient. Courts generally infer the offender's internal intent through indicators such as a history of hostility, the tone of communication, the temporal and spatial context, and the offender's customary capacity to carry out the threatened act. Recent judicial practice, particularly in cybercrimes and threats communicated through social media platforms, has adopted a relatively broad interpretation of implied threats. However, this expansion of the offense's scope has consistently faced criticism regarding compliance with the principle of legality in criminal law and the protection of freedom of expression. The article concludes by emphasizing the necessity of developing clearer customary standards and providing judicial training for the identification of non-explicit threats, while also proposing measures to improve evidentiary assessment and ensure fairer criminal proceedings.

Keywords: *Crime, Threat, Fear, Harm, Criminal Law, Non-Explicit Implied Threat, Specific Mens Rea, Judicial Practice.*

تاریخ ارسال: ۱ تیر ۱۴۰۲
 تاریخ بازنگری: ۱ آبان ۱۴۰۲
 تاریخ پذیرش: ۶ آبان ۱۴۰۲
 تاریخ چاپ: ۱ آذر ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل قلمرو جرم تهدید در حقوق کیفری ایران با تأکید بر تهدیدهای غیر صریح ضمنی

حسین حیدری^۱

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: hosein_s60@yahoo.com

چکیده

جرم تهدید، به ویژه در شکل غیر صریح و ضمنی آن، یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در حقوق کیفری ایران است. ماده‌ی ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با استفاده از عبارت «به هر نحو»، امکان شمول تهدیدهای غیر مستقیم، ضمنی و غیر زبانی را فراهم ساخته است. با این حال، تشخیص این نوع تهدیدها از مفاهیمی همچون مزاح عادی، هشدار منطقی یا شوخی، نیازمند معیارهای دقیق عرفی، موقعیتی و روانی است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و رویه‌ی قضایی، به تبیین مبانی، ارکان و قلمرو تهدید ضمنی در حقوق ایران می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقق تهدید ضمنی منوط به احراز دو رکن اساسی «قصد مجرمانه (سوءنیت خاص)» و «ایجاد خوف معقول» در مخاطب است و دادگاه‌ها با توسل به قرائنی چون سابقه عداوت، لحن کلام، موقعیت مکانی-زمانی و توانایی عرفی مرتکب، به کشف نیت باطنی اقدام می‌کنند. رویه‌ی قضایی اخیر، به ویژه در جرایم سایبری و تهدیدهای ارسالی از طریق شبکه‌های اجتماعی، رویکردی نسبتاً موسع به تهدیدهای ضمنی اتخاذ کرده است؛ اما این توسعه دایره‌ی شمول، همواره با نقدهایی از حیث رعایت اصل قانونی بودن جرایم و حفظ آزادی بیان مواجه بوده است. در پایان، مقاله ضمن تأکید بر ضرورت تدوین ضوابط عرفی روشن‌تر و آموزش قضات در زمینه تشخیص تهدیدهای غیر صریح، پیشنهادهایی برای ساماندهی اثباتی و دادرسی عادلانه‌تر ارائه می‌دهد.

کلیدواژگان: جرم، تهدید، ترس، ضرر، حقوقی کیفری، تهدید غیر صریح ضمنی، سوءنیت خاص، رویه قضایی

جرم تهدید، به عنوان یکی از مهم ترین مصادیق جرایم علیه آسایش و امنیت روانی اشخاص، از دیرباز در نظام های حقوقی جهان و نیز در فقه و حقوق کیفری ایران مورد توجه بوده است؛ چراکه این رفتار مجرمانه نه تنها می تواند مقدمه ای برای تحقق جرایم شدیدتر علیه تمامیت جسمانی و مالی باشد، بلکه به تنهایی نیز با ایجاد رعب و هراس، بنیان های آزادی اراده و اختیار فردی را دستخوش تعرض قرار می دهد (Emadi Kateb, 2014). در حقوق موضوعه ایران، ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، مهم ترین مستند قانونی در این حوزه است که با استفاده از عبارت «به هر نحو تهدید»، زمینه را برای شمول طیف گسترده ای از رفتارهای تهدیدآمیز، اعم از صریح و ضمنی، فراهم ساخته است (Tajlili & Soleimani, 2016). با این وجود، چالش اصلی زمانی ظهور می یابد که تهدید به شکل غیر صریح یا ضمنی بروز یابد؛ یعنی جایی که واژگان یا رفتارهای ظاهراً بی ضرر، در بافت و زمینه خاص ارتباطی و با اتکا به قرائن و امارات موجود، حاکی از یک قصد جدی برای ایراد ضرر در آینده هستند. از آنجا که اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها ایجاب می کند قوانین کیفری به صورت مضیق تفسیر شوند، شناخت دقیق قلمرو این نوع از تهدید، توأم با دشواری های اثباتی و تفسیری متعددی است (Mohammadi Qaleh Sefidi & Khodadadi, 2024). برای مثال، آیا ارسال یک ایمیل رمزآلود، یک حرکت نمادین دست در یک فضای مجادله آمیز، یا سکوت معنادار در برابر درخواستی که با شرط ضمنی همراه است، می تواند عنوان «تهدید به هر نحو» را در پرونده های قضایی پیدا کند؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند تحلیل دقیق عناصر مادی و معنوی جرم تهدید و نیز تفکیک آن از مفاهیمی چون مزاح ساده، هشدار منطقی یا شوخی عادی است. در فقه امامیه نیز قاعده لا ضرر و وجوب حفظ نظام جامعه، مبنایی برای منع هرگونه رفتاری است که موجب

خوف و هراس غیرموجه در دیگری گردد، اما این مبنا نیز مستلزم احراز سوءنیت واقعی فاعل و رابطه سببیت میان رفتار او و ترس ایجاد شده است (Mohaghegh Damad, 2013). از سوی دیگر، رویه قضایی ایران در دهه اخیر، به ویژه در قبال جرایم سایبری و تهدیدهای ارسالی از طریق شبکه های اجتماعی، رویکردی نسبتاً موسع به تهدیدهای ضمنی اتخاذ کرده و در مواردی، حتی رمزنگاری ها و کنایات مضاعف را نیز با توسل به عرف و عادت، مشمول ماده ۶۶۹ دانسته است (Sadeghi, 2014). با این حال، این توسعه دایره شمول، همواره با نقد حقوقدانانی مواجه بوده است که بر لزوم رعایت احتیاط در شناسایی تهدیدهای غیر صریح و پرهیز از نقض آزادی بیان و امنیت قضایی تأکید دارند. بنابراین، تحلیل دقیق قلمرو جرم تهدید با تأکید بر آشکال غیر صریح و ضمنی آن، یک ضرورت نظری و عملی در حقوق کیفری ایران به شمار می رود که مستلزم تبیین مبانی فقهی - حقوقی، بررسی چالش های اثباتی، مطالعه رویه قضایی و ارائه رهیافت هایی برای ساماندهی این حوزه از دادرسی کیفری است و مقاله حاضر درصدد است با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای و آرای قضایی معتبر، به این مهم بپردازد.

۱- مبانی و قلمرو تهدید در حقوق ایران

جرم تهدید به عنوان یکی از جرایم علیه امنیت روانی و آزادی اراده اشخاص، در نظام حقوقی ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات که به عنوان مهم ترین مستند قانونی در این حوزه شناخته می شود، مقرر می دارد: هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

صدور حکم محکومیت، وجود هر سه رکن را احراز نماید (Ardabili, 2014). عنصر قانونی جرم تهدید در حقوق موضوعه ایران، ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است که در فصل بیست و دوم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان تهدید و اکراه جای گرفته است و از جمله جرایم علیه اشخاص و شخصیت معنوی افراد محسوب می‌شود. گفتنی است که ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی، هرچند در همین فصل قرار دارد، اما به جرم مستقلی با عنوان اخذ سند یا نوشته به عنف اختصاص یافته و ارتباط مستقیمی با موضوع بحث حاضر ندارد. عنصر قانونی، به عنوان یکی از مظاهر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، تضمین می‌کند که هیچ‌کس را نمی‌توان به اتهام تهدید تحت تعقیب و مجازات قرار داد، مگر اینکه رفتار وی در زمان ارتکاب، به صراحت توسط قانونگذار جرم‌انگاری شده باشد.

عنصر مادی جرم تهدید که به رفتار فیزیکی و بیرونی مرتکب اطلاق می‌شود، از سه جزء تشکیل می‌گردد: نخست، رفتار مثبت؛ تهدید از جمله جرایمی است که حتماً باید با وقوع فعل مثبت انجام گیرد و ترک فعل به تنهایی نمی‌تواند موجب تحقق آن باشد. این رفتار می‌تواند به صورت شفاهی، یعنی عبارات گفتاری؛ کتبی، یعنی نامه، پیامک، ایمیل؛ اشاره‌ای، یعنی نشان دادن سلاح یا چاقو، حرکات تهدیدآمیز دست و صورت؛ یا از طریق اشخاص ثالث صورت پذیرد. ماده ۶۶۹ با تعبیر «به هر نحو» که در صدر ماده به کار رفته، دایره وسیعی از تهدید را ترسیم نموده و انواع تهدیدهای ضمنی و غیرمستقیم را نیز در بر می‌گیرد. دوم، ایجاد خوف و ترس؛ برای تحقق جرم تهدید، رفتار مرتکب باید به گونه‌ای باشد که عرفاً و عقلاً در شخص تهدیدشونده ایجاد رعب و وحشت نماید (Rahimi & Mahdavi Sabet, 2019). در این میان، میزان ترس و اضطراب فرد تهدیدشونده امری نسبی و تابع عرف جامعه است؛ بدین معنا که دادگاه باید با در نظر گرفتن شرایط شخص تهدیدشونده، مانند سن، جنسیت، موقعیت اجتماعی، سابقه

عبارت «به هر نحو» که در صدر این ماده به کار رفته است، اهمیت کلیدی در گسترش قلمرو جرم تهدید به انواع غیرصریح و ضمنی دارد و نشان‌دهنده رویکرد قانونگذار در شمول رفتارهای تهدیدآمیز غیرزیبانی و غیرمستقیم نیز می‌باشد (Goldouzian, 2004). تحلیل عناصر سه‌گانه جرم تهدید نشان می‌دهد که این جرم علاوه بر عنصر قانونی مصرح در مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، از دو رکن دیگر نیز برخوردار است: عنصر مادی که عبارت است از اعلام صریح یا ضمنی ضرر در آینده و وصول آن به مخاطب، یعنی شخص تهدیدشونده، و ایجاد خوف و ترس بالفعل، حتی اگر موقتی باشد؛ و عنصر معنوی که سوءنیت خاص و قصد مجرمانه مرتکب را در ایجاد رعب و وحشت در طرف مقابل تشکیل می‌دهد. برخی صاحب‌نظران معتقدند چنانچه مخاطب تهدید را جدی تلقی نکند یا اصلاً تحت تأثیر روانی قرار نگیرد، تحقق جرم با تردید مواجه می‌شود و احراز عنصر مادی منوط به اثبات اثر روانی بر شخص تهدیدشونده است. همچنین در صورت فقدان قصد و نیت مجرمانه، مانند شوخی یا هشدار منطقی، سوءنیت خاص احراز نمی‌شود و جرم تهدید محقق نخواهد شد (Rahimi & Mahdavi Sabet, 2019).

تعریف و ارکان جرم تهدید، ماده ۶۶۹

جرم تهدید در لغت به معنای تخویف، ترساندن و بیم دادن است (Muzaffar, 1993) و در اصطلاح حقوقی عبارت از اعلام قصد ایراد ضرر جانی، مالی، شرفی یا افشای اسرار نسبت به خود یا بستگان شخص تهدیدشونده در آینده می‌باشد که به صورت صریح یا ضمنی صورت می‌گیرد و موجب سلب آسایش خاطر و ایجاد خوف و هراس در وی می‌گردد. همانند سایر جرایم تعزیری، تحقق جرم تهدید در حقوق کیفری ایران واجد سه رکن اساسی عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی یا معنوی است که فقدان هر یک از این ارکان، انتساب عنوان مجرمانه تهدید به رفتار شخص را با مانع مواجه می‌سازد و دادگاه کیفری مکلف است پیش از

و قواعد تفسیری و با تکیه بر اوضاع و احوال قضیه، به کشف نیت باطنی مرتکب نائل آیند.

کیفردهی جرم تهدید

جرم تهدید در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به عنوان یک جرم تعزیری مستقل جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات‌های مشخصی تعیین گردیده است. کیفردهی این جرم از جنبه‌های متعددی شایان بررسی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از تعیین مجازات‌های جایگزین، اختیار قاضی در انتخاب نوع و میزان مجازات، دامنه شمول جرایم مرتبط و تأثیر کیفیات مخفیه و مشدده بر میزان کیفر. از جمله ویژگی‌های بارز کیفردهی جرم تهدید در نظام حقوقی ایران، اعطای اختیار وسیع به قاضی در انتخاب بین دو نوع مجازات شلاق و حبس است. قانونگذار به جای تعیین مجازات واحد، با استفاده از حرف عطف «یا»، قاضی را مخیر ساخته است که حسب مورد، متناسب با شدت و ضعف جرم ارتكابی، وضعیت بزه‌دیده، سوابق مرتکب و سایر اوضاع و احوال قضیه، یکی از دو مجازات مزبور یا ترکیبی از آنها را اعمال نماید. این اختیار قضایی هرچند در جهت انعطاف‌پذیری نظام کیفری و شخصی‌سازی مجازات مطلوب به نظر می‌رسد، اما از سوی دیگر این نگرانی را نیز ایجاد کرده است که ممکن است به تشتت آرای قضایی و بی‌ثباتی رویه قضایی بینجامد. دامنه مجازات حبس در ماده مذکور از یک ماه به عنوان حداقل تا یک سال به عنوان حداکثر در نظر گرفته شده است؛ در حالی که برخی منابع غیررسمی دامنه حبس را تا دو سال نیز ذکر کرده‌اند که ناشی از برداشت‌های متفاوت از متون قانونی یا اشاره به قوانین خاص مرتبط با تهدید توأم با درخواست مال است. همچنین میزان شلاق تعزیری تا ۷۴ ضربه تعیین شده که تأکید بر حداکثر مجازات شلاق در نظام تعزیرات ایران دارد.

نکته حائز اهمیت در کیفردهی جرم تهدید آن است که قانونگذار تحقق تهدید را منوط به درخواست وجه یا مال یا انجام امر یا ترک

آشنایی با تهدیدکننده، و مجموع اوضاع و احوال حاکم بر قضیه، احراز کند که آیا شخص مزبور از تهدید صورت‌گرفته بیمناک گردیده است یا خیر. سوم، قابلیت انجام تهدید؛ یکی از شروط اساسی تحقق عنصر مادی جرم تهدید این است که تهدیدکننده عرفاً قادر به انجام آنچه تهدید کرده باشد و با توجه به وضعیت تهدیدشونده، احتمال وقوع آن ضرر وجود داشته باشد. تهدید از جمله جرایم مطلق محسوب می‌شود؛ بدین معنا که تهدید مذکور چه به نتیجه برسد و چه نرسد، یعنی چه تهدیدکننده به تهدید خود عمل کند و چه نکند، جرم تهدید محقق شده است و عمل کردن به تهدید، جداگانه می‌تواند حسب مورد واجد عنوان مجرمانه دیگری باشد.

عنصر روانی یا معنوی جرم تهدید که به حالت درونی و قصد و نیت مرتکب اشاره دارد، عبارت از سوءنیت خاص است. به این بیان که مرتکب باید عالماً و عامداً و با قصد مجرمانه، اقدام به تهدید دیگری نماید. به عبارت روشن‌تر، وی باید به تهدیدآمیز بودن رفتار خود آگاهی داشته باشد، یعنی علم، و هدف اصلی او از انجام آن رفتار، ایجاد خوف و ترس در شخص تهدیدشونده باشد، یعنی قصد (Safdari & Barghi, 2016). از این رو، چنانچه شخصی صرفاً به منظور شوخی یا مطایبه، عباراتی را بر زبان آورد که عرفاً تهدیدآمیز تلقی می‌شود، یا در مقام اعلام یک خطر واقعی به دیگری هشدار دهد، به دلیل فقدان عنصر سوءنیت خاص و قصد مجرمانه، مرتکب جرم تهدید نخواهد شد. همچنین اگر تهدید به صورت غیرمستقیم و ضمنی انجام شده باشد، دادگاه با توسل به قرائن و امارات موجود، مانند سابقه دشمنی طرفین، لحن کلام، موقعیت مکانی و زمانی، شدت تهدید، به احراز سوءنیت خاص مرتکب مبادرت می‌کند. تأکید بر این نکته ضروری است که اثبات عنصر معنوی در بسیاری از پرونده‌های تهدید، به‌ویژه در موارد تهدیدهای غیرصریح و ضمنی، از دشوارترین مراحل دادرسی کیفری است و قضات ناگزیرند با استناد به اصول

فعل ندانسته است. عبارت «اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد»، به روشنی نشان می‌دهد که حتی تهدید ساده و بدون هیچ خواسته و تقاضای مالی و غیرمالی نیز مشمول مجازات مقرر در ماده ۶۶۹ می‌گردد. این ویژگی، جرم تهدید را در زمره جرایم موسوم به مطلق قرار می‌دهد که برای تحقق آن، صرف ایجاد رعب و وحشت در شخص تهدیدشونده کفایت می‌کند و نیاز به احراز نتیجه مادی دیگری نیست. از همین رو، در رویه قضایی نیز تأکید شده است که صرف تهدید کردن شخص، فارغ از اینکه مرتکب به تهدید خود عمل کرده باشد یا خیر، برای تحقق بزه تهدید و اعمال مجازات قانونی کافی است (Zeraat, 2006).

در عرصه عملی و رویه قضایی، دادگاه‌های کیفری ایران در تعیین میزان مجازات جرم تهدید از ضوابط و معیارهای متعددی پیروی می‌کنند. به عنوان نمونه، رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در رسیدگی به ارتکاب جرایم تهدید از طریق ارسال پیامک، بر این امر استقرار یافته است که صرف ارسال پیام حاوی عبارات تهدیدآمیز، فارغ از اینکه تهدید بالفعل محقق شده باشد یا خیر، جرم تهدید را تشکیل می‌دهد و دادگاه مکلف به تعیین مجازات متناسب است. همچنین در مواردی که تهدید توأم با توهین یا سایر جرایم علیه اشخاص باشد، دادگاه‌ها با استناد به قواعد تعدد جرم، مجازات متناسب با هر یک از جرایم را تعیین و سپس با اعمال قواعد تعدد، میزان نهایی مجازات را مشخص می‌نمایند. رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱ دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت قضایی جرم مزاحمت تلفنی که به تهدید و توهین از طریق تلفن اختصاص دارد، از جمله مصادیق بارز این رویه است که در آن دادگاه با تشخیص وقوع جرم تهدید توأم با مزاحمت تلفنی، مجازات مرتکب را متناسب با ماهیت جرم ارتكابی تعیین کرده است. در خصوص امکان تبدیل مجازات شلاق یا حبس به جزای نقدی، رویه قضایی و نظریات حقوقی متفاوتی وجود دارد. در

پاسخ به استعلام‌های متعدد، این مطلب بیان شده است که طبق ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات تهدید صرفاً شامل شلاق یا حبس است و ذکر از جزای نقدی در متن ماده به میان نیامده است. با این حال، دادگاه تجدیدنظر در صورت وجود شرایط خاص و بر اساس اختیارات قانونی خود، می‌تواند تصمیم به تبدیل مجازات به جزای نقدی بگیرد؛ این امر بستگی به شرایط خاص پرونده، سابقه متهم و نظر قاضی دارد. همچنین در برخی موارد، دادگاه‌های بدوی در پرونده‌های مربوط به توهین و تهدید، مجازات جزای نقدی تعیین می‌کنند که در این صورت، بزه تهدید درجه هشت محسوب می‌شود و تبعات خاص خود را از حیث سجل کیفری و سایر مقررات مرتبط با درجه‌بندی جرایم به دنبال دارد (Tajlili & Soleimani, 2016).

از حیث تأثیر اوضاع و احوال مشدده و مخففه در کیفردهی جرم تهدید، باید گفت که مقررات عمومی مواد ۳۷ تا ۴۰ قانون مجازات اسلامی درباره تخفیف مجازات و نیز مواد ۸۹ و ۹۰ این قانون در مورد اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، در جرایم تهدید نیز قابل اعمال است. به عنوان مثال، در صورت وجود جهات مخففه از قبیل اقدام متهم به جبران ضرر و زیان وارده، نداشتن سابقه کیفری مؤثر، اقرار پیش از تعقیب یا همکاری مؤثر با مراجع تعقیب، دادگاه می‌تواند مجازات مقرر در ماده ۶۶۹ را به کمتر از حداقل قانونی، یعنی کمتر از یک ماه حبس یا کمتر از میزان شلاق مقرر، کاهش دهد یا نوع مجازات را از حبس به شلاق یا بالعکس تغییر دهد. در مقابل، در صورت وجود جهات مشدده، مانند تکرار جرم، استفاده از ابزار و ادوات جرم، ارتکاب تهدید نسبت به اعضای خانواده مقامات قضایی و انتظامی، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را به سمت حداکثر قانونی، یعنی حبس یک سال یا شلاق ۷۴ ضربه، سنگین‌تر نماید. در مجموع، می‌توان گفت کیفردهی جرم تهدید در حقوق کیفری ایران با وجود ماده ۶۶۹ به عنوان چارچوب قانونی اصلی، از انعطاف قابل توجهی برخوردار است

تهدید، نتیجه نهایی، یعنی ایجاد خوف در مخاطب، یکسان است و تفاوت اساسی در شیوه اعلام و نحوه اثبات آن در فرآیند دادرسی کیفری پدیدار می‌شود.

قاعده کلیدی و مبنای اصلی پذیرش تهدید ضمنی در حقوق کیفری ایران، عبارت «به هر نحو» است که در صدر ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات آمده است. عبارت «به هر نحو» دایره شمول تهدید را از الفاظ صریح فراتر برده و انواع رفتارهای تهدیدآمیز غیرزبانی، از قبیل نشان دادن سلاح، حرکات تهدیدآمیز دست و صورت، ارسال پیام‌های رمزآلود و سکوت همراه با شروط تهدیدآمیز، را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین، برخلاف برخی برداشت‌های ابتدایی، تهدید در حقوق ایران محدود به اعلام صریح ضرر نیست و تهدید ضمنی نیز در قلمرو شمول این ماده قرار می‌گیرد. این رویکرد قانونگذار به دلیل آن است که در بسیاری از موارد، مرتکبان جرم تهدید با آگاهی از آثار کیفری رفتار خود، از الفاظ صریح پرهیز کرده و با توسل به کنایات، اشارات و عبارات مبهم، قصد ایجاد رعب و وحشت را در دیگری دنبال می‌کنند؛ در چنین شرایطی، تفسیر موسع ماده ۶۶۹ به نفع حمایت از امنیت روانی بزه‌دیده ضروری می‌نماید، هرچند باید با رعایت اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و لحاظ قرائن قوی همراه باشد (Rahimi & Mahdavi Sabet, 2019).

یکی از محوری‌ترین تفاوت‌های تهدید صریح و ضمنی، در نحوه اعلام و تحقق عنصر مادی جرم نمایان می‌شود. در تهدید صریح، تحقق عنصر مادی به محض صدور لفظ یا عبارت تهدیدآمیز، بدون نیاز به بررسی بسترهای ارتباطی، محقق می‌شود؛ زیرا خود عبارت، به‌طور مستقیم و بدون واسطه، دلالت بر قصد مرتکب در ایراد ضرر دارد. به‌عنوان مثال، اگر شخصی به دیگری بگوید «فردا سر کار تو را خواهم زد»، این عبارت فی‌نفسه برای تحقق عنصر مادی تهدید کافی است و دادگاه نیازی به بررسی اوضاع و احوال بیرونی ندارد. در مقابل، در تهدید ضمنی، دادگاه نمی‌تواند صرفاً با تکیه

و دادگاه‌ها با عنایت به اختیارات حاصله از قانون، نقش مهمی در شخصی‌سازی مجازات و تحقق اهداف بازدارنده و اصلاحی نظام کیفری ایفا می‌کنند.

تفاوت تهدید صریح و ضمنی

از حیث مفهوم‌شناسی، جرم تهدید در لغت به معنای تخویف، ترساندن و بیم دادن است و در اصطلاح حقوقی عبارت از اعلام قصد ایراد ضرر جانی، مالی، شرفی یا افشای اسرار نسبت به خود یا بستگان شخص تهدیدشونده در آینده می‌باشد که به‌صورت صریح یا ضمنی صورت می‌گیرد و موجب سلب آسایش خاطر و ایجاد خوف و هراس در وی می‌گردد (Abbaszadeh, 2012). با این تفاسیر و تعریف قانونی، مفهومی و حقوقی از جرم تهدید، می‌توان در خصوص تعریف مفهومی از تهدید صریح، این‌گونه بیان داشت که: تهدید صریح وضعیتی است که در آن، مرتکب با استفاده از الفاظ و عبارات کاملاً روشن، بی‌ابهام و مستقیم، قصد خود را برای ایراد ضرر به دیگری اعلام می‌کند. در این نوع تهدید، نیازی به تفسیر یا استنباط نیست؛ بلکه خود عبارت، بدون واسطه و به‌طور مطابقی، مفاد تهدید را آشکار می‌سازد، نظیر اینکه شخصی بگوید «تو را خواهم کشت» یا «خانه‌ات را آتش می‌زنم». از سوی دیگر، تهدید ضمنی به رفتاری اطلاق می‌شود که گرچه در ظاهر، الفاظ یا اشاراتی صریحاً حاکی از اعلام ضرر نیست، اما با توجه به مجموع قرائن و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه، از قبیل لحن کلام، موقعیت مکانی و زمانی، سابقه دشمنی طرفین، سطح رابطه و توانایی مرتکب در اجرای تهدید، عرفاً و عقلاً در شخص تهدیدشونده ایجاد خوف و نگرانی می‌کند. به بیان روشن‌تر، تهدید ضمنی نیازمند تفسیر و استنباط از بستر ارتباطی است تا دلالت تهدیدآمیز آن احراز شود، نظیر آنکه شخصی در حالی که چاقویی را در دست دارد به دیگری بگوید «مواظب باش»، یا روی دیوار ملکی بنویسد «پارک = پنچری» که از مصادیق تهدید ضمنی به تخریب مال غیر محسوب می‌شود. مهم آن است که در هر دو نوع

طلب «هر کاری» انجام می‌دهد، این رفتار می‌تواند تهدید ضمنی و عام تلقی گردد؛ زیرا عرفاً چنین عبارتی حاکی از قصد انجام اقدامات غیرقانونی و ضررآفرین است. گفتنی است رویه قضایی ایران در مواجهه با تهدیدهای غیرصریح، به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با مزاحمت‌های تلفنی، پیامک‌های تهدیدآمیز و جرایم سایبری، رویکردی نسبتاً موسع اتخاذ کرده و با استناد به عبارت «به هر نحو» در ماده ۶۶۹، تهدیدهای ضمنی را نیز مشمول مجازات قانونی دانسته است (Sadeghi Neshat, 2014).

عنصر روانی جرم تهدید نیز در دو نوع صریح و ضمنی، به شیوه‌های متفاوتی احراز می‌گردد. در تهدید صریح، وجود سوءنیت خاص، یعنی علم و قصد ایجاد خوف در مخاطب، تا حد زیادی از خود عبارت تهدیدآمیز قابل استنباط است؛ چراکه به‌کارگیری الفاظ صریح تهدید، به‌طور معمول حاکی از آگاهی مرتکب از ماهیت رفتار خود و قصد وی در ایجاد رعب و وحشت در دیگری است. اما در تهدید ضمنی، دادگاه نمی‌تواند صرفاً با تکیه بر ظاهر رفتار، سوءنیت خاص را احراز کند، بلکه باید با دقت در قرائن و نشانه‌های موجود، نیت باطنی مرتکب را کشف نماید. از جمله مهم‌ترین قرائن برای احراز سوءنیت خاص در تهدید ضمنی عبارتند از: سابقه عداوت و دشمنی میان طرفین، لحن تهدیدآمیز کلام، حتی اگر الفاظ ظاهراً عادی باشند، موقعیت زمانی و مکانی نامتعارف و تهدیدآمیز، نظیر تهدید در خلوت یا هنگام شب، توانایی عرفی مرتکب در اجرای تهدید و واکنش طبیعی تهدیدشونده، نظیر ترس، تغییر رنگ چهره، فرار یا درخواست کمک. در صورت فقدان این قرائن، حتی اگر مخاطب احساس ترس کرده باشد، به دلیل عدم احراز سوءنیت خاص، جرم تهدید محقق نخواهد شد. به‌عنوان مثال، اگر شخصی صرفاً به منظور شوخی با دوست صمیمی خود، از عباراتی استفاده کند که در ظاهر تهدیدآمیز به نظر می‌رسد اما با توجه به رابطه دوستانه طرفین، عرفاً ایجاد ترس نمی‌کند، سوءنیت خاص احراز نمی‌شود. از همین رو،

بر ظاهر عبارت یا رفتار، جرم را محقق‌شده تلقی کند؛ بلکه ناگزیر از توسل به مجموع قرائن و اوضاع و احوال قضیه، از قبیل لحن صدا، حرکات بدنی، موقعیت زمانی و مکانی، سابقه روابط طرفین و توانایی مرتکب در اجرای تهدید، است تا استنباط کند که آیا رفتار مرتکب عرفاً و عقلاً در شخص تهدیدشونده ایجاد خوف و نگرانی کرده است یا خیر. به عبارت دیگر، تهدید صریح دارای دلالت مطابقی و مستقیم است، در حالی که دلالت تهدید ضمنی از نوع التزامی و غیرمستقیم بوده و نیازمند تفسیر مبتنی بر عرف و عادات اجتماعی است. این تفاوت ماهوی موجب می‌شود که اثبات تهدید ضمنی در محاکم کیفری به مراتب دشوارتر از تهدید صریح باشد و نقش قاضی در کشف نیت واقعی مرتکب، برجسته‌تر و حساس‌تر گردد.

تفاوت دیگر تهدید صریح و ضمنی در شیوه اثبات و میزان اتکا به اوضاع و احوال قضیه ظهور می‌یابد. در تهدید صریح، اثبات جرم عمدتاً از طریق ادله مستقیم، مانند شهادت شهود بر شنیدن عبارت تهدید، اقرار مرتکب یا اسناد و مکاتبات حاوی عبارت صریح، صورت می‌پذیرد و قاضی کمتر نیازمند توسل به قرائن و استنباط است. اما در تهدید ضمنی، به دلیل فقدان عبارت صریح، قاضی ناگزیر از بهره‌گیری از ادله غیرمستقیم و نشانه‌های موجود است و باید با بررسی دقیق مجموع قرائن، به احراز قصد مجرمانه مرتکب نائل آید. در این میان، ملاک اصلی تشخیص، عرف جامعه و درک شخص معقول در موقعیت مخاطب است. بدین معنا که اگر یک فرد معمولی و منطقی در شرایط تهدیدشونده، رفتار مرتکب را تهدیدآمیز تلقی کند، دادگاه می‌تواند با استناد به همین برداشت عرفی، تهدید ضمنی را محقق‌شده بداند (Badini, 2010).

به‌عنوان مثال، نوشته «پارک = پنچری» روی دیوار منزل شخص، از منظر عرف و با توجه به هشدار صریح مقامات قضایی، مصداق تهدید ضمنی به تخریب مال غیر محسوب می‌شود. همچنین در مواردی که شخصی در یک گروه عمومی اعلام می‌کند برای وصول

در تهدید ضمنی، اثبات سوءنیت خاص از اهمیت مضاعفی برخوردار است و قضات باید با احتیاط و دقت فراوان، ضمن بررسی همه‌جانبه اوضاع و احوال، از عدم خلط میان تهدید ضمنی با بیان عادی، مزاح ساده یا شوخی دوستانه اطمینان حاصل کنند.

موضوع جرم تهدید

موضوع جرم تهدید در حقوق کیفری ایران عبارت است از آن دسته از ضررها، خطرهای و اقدامات زیانباری که تهدیدکننده شخص مخاطب را نسبت به وقوع آنها در آینده بیمناک می‌سازد و به موجب قانون، تحقق این نوع اعلام خطر، عنوان مجرمانه تهدید را محقق می‌گرداند. به عبارت دیگر، موضوع تهدید همان آن چیزی است که تهدیدکننده مدعی انجام آن در آینده می‌باشد و مخاطب را نسبت به وقوع آن بیمناک می‌سازد. ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به‌عنوان مهم‌ترین مستند قانونی در این حوزه، دایره موضوعات قابل تهدید را به‌طور شمردنی و محدود تعیین کرده است؛ از این رو، موضوع جرم تهدید در حقوق ایران صرفاً منحصر به موارد پنج‌گانه مذکور است و هرگونه اعلام ضرر یا خطر خارج از این موارد، حتی اگر در شخص مخاطب ایجاد خوف و هراس نماید، مشمول عنوان مجرمانه تهدید نخواهد شد. برخی از حقوقدانان این احصاء را به دلیل تضییع قلمرو جرم تهدید و عدم انطباق با نیازهای اجتماعی مورد نقد قرار داده‌اند، اما با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری، دادگاه‌ها نمی‌توانند از چهارچوب تعیین‌شده در ماده ۶۶۹ فراتر روند.

نخستین مورد از موضوعات جرم تهدید، تهدید به قتل است که آشکارترین و شدیدترین نوع تهدید محسوب می‌شود. قتل که در اصطلاح حقوقی به معنای سلب حیات از انسان محترم است، در زمره مهم‌ترین حقوق و ارزش‌های مورد حمایت قانونگذار ایران قرار دارد. تهدید به قتل می‌تواند به‌صورت صریح، نظیر «تو را خواهم کشت»، یا ضمنی، نظیر نشان دادن سلاح به نحوی که عرفاً

دلالت بر قصد قتل داشته باشد، صورت گیرد. آنچه در این نوع تهدید حائز اهمیت است، قابلیت عرفی مرتکب برای اجرای تهدید می‌باشد؛ بدین معنا که اگر تهدیدکننده به لحاظ جسمی، روحی یا وضعیت اجتماعی توانایی عرفی برای قتل نداشته باشد، به‌عنوان مثال، شخص ناتوانی که ورزشکاری قوی‌هیکل را تهدید به قتل می‌کند، دادگاه ممکن است تحقق جرم تهدید را با تردید مواجه سازد. با این حال، برخی از قضات معتقدند که صرف اعلام قصد قتل، صرف‌نظر از توانایی بالفعل مرتکب، برای تحقق جرم تهدید کافی است و بحث قابلیت انجام، ارتباطی به تحقق جرم نداشته و صرفاً در مرحله میزان مجازات یا تشدید آن مؤثر می‌تواند باشد. رویه قضایی نیز در این زمینه یکسان نیست و در برخی آراء، قابلیت انجام تهدید شرط تحقق دانسته شده و در برخی دیگر، صرف تهدید به قتل را برای احراز جرم کافی تلقی نموده‌اند.

دومین موضوع جرم تهدید، تهدید به ضررهای نفسی است. منظور از ضررهای نفسی در ماده ۶۶۹، هر نوع آسیب و صدمه‌ای است که متوجه تمامیت جسمانی و سلامت بدنی شخص تهدیدشونده می‌گردد و طیف گسترده‌ای از ایراد صدمات بدنی غیرمنتهی به قتل را در بر می‌گیرد؛ از جمله ضرب و جرح، قطع عضو، شکستن استخوان، ایجاد نقیصه در اعضای بدن و نیز هرگونه اقدام دیگری که سلامت جسمی فرد را به مخاطره اندازد. همچنین به نظر می‌رسد با توجه به شمول معنایی ضرر نفسی، تهدید به ابتلاء به بیماری‌های جسمی، مانند تهدید به انتقال بیماری واگیردار، نیز در صورت وجود شرایط و قرائن لازم، می‌تواند در قلمرو این عنوان قرار گیرد (Aghaeinia, 2010). در مقابل، تهدید به ضررهای روحی و روانی، در فقدان صدمه جسمی، را نمی‌توان به‌طور مستقیم در این عنوان جای داد، مگر اینکه آن ضرر روحی منجر به نوعی صدمه جسمی یا اختلال در کارکردهای بدنی گردد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند به دلیل اهمیت حمایت از تمامیت جسمانی اشخاص، هرگونه اعلام قصد برای ایراد آسیب بدنی به

را نسبت به خود یا بستگان شخص تهدیدشونده نیز پذیرفته است. بدین معنا که مخاطب تهدید می‌تواند خود شخص یا بستگان او، اعم از نسبی و سببی، باشند. به عبارت روشن‌تر، اگر تهدیدکننده اعلام کند که به همسر تو ضرر می‌زنم یا فرزندت را می‌کشم، این تهدید نیز در قلمرو ماده ۶۶۹ وارد و مستوجب مجازات است. در این موارد، تهدید متوجه شخص ثالث، یعنی بستگان، است، اما اثر روانی آن بر خود مخاطب تهدید وارد می‌شود و قانونگذار نیز با همین نگاه، این‌گونه تهدیدها را مشمول حمایت کیفری قرار داده است. بنابراین، موضوع جرم تهدید فقط منحصر به ضررهایی که متوجه خود شخص تهدیدشونده می‌شود نیست، بلکه ضررهایی که متوجه بستگان نزدیک وی می‌گردد نیز در زمره موضوعات تهدید محسوب می‌شوند. این بسط قلمرو که از جمله نقاط قوت ماده ۶۶۹ به شمار می‌رود، حمایت مؤثرتری از امنیت روانی خانواده و بستگان در معرض خطر به عمل می‌آورد و از سوی دیگر، مانع از آن می‌شود که تهدیدکنندگان برای فرار از مجازات، به جای تهدید مستقیم خود شخص، بستگان آسیب‌پذیرتر او را نشانه روند.

۲- معیارهای تشخیص تهدید ضمنی

در نظام حقوقی ایران، تهدید صرفاً به الفاظ روشن و بی‌ابهام محدود نمی‌شود. مستند به عبارت «به هر نحو» در صدر ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، اشکال غیرمستقیم ایجاد رعب و وحشت که در دکترین از آنها با عنوان تهدید ضمنی یاد می‌شود نیز در قلمرو جرم تهدید قرار می‌گیرد. برخلاف تهدید صریح که دلالت مطابقی و بی‌واسطه دارد و نیازی به تفسیر نیست، دلالت تهدید ضمنی از نوع التزامی و غیرمستقیم بوده و نیازمند تفسیری مبتنی بر عرف و اوضاع و احوال است. این ویژگی‌ها، تشخیص را به یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در رسیدگی‌های قضایی بدل ساخته است. بر این اساس، دکترین و رویه قضایی

دیگری، صرف‌نظر از شدت و میزان آن، برای تحقق عنوان تهدید کافی است و نیازی به احراز درجه صدمه نیست. در رویه قضایی، تهدیدهایی نظیر «تو را فلج می‌کنم»، «دستت را قطع می‌کنم» یا «با چاقو به تو حمله می‌کنم» از مصادیق بارز تهدید به ضررهای نفسی شناخته شده‌اند.

سومین موضوع جرم تهدید، تهدید به ضررهای شرفی است. ضرر شرفی، که در برخی متون از آن با عنوان ضرر معنوی نیز یاد می‌شود، ناظر بر حیثیت، آبرو، شرافت و جایگاه اجتماعی افراد است و هرگونه اعلام قصد برای انجام عملی که موجب لکه‌دار شدن دامن، بی‌آبرویی، تحقیر، تخریب موقعیت اجتماعی یا هتک حیثیت شخص تهدیدشونده گردد، در قلمرو این عنوان جای می‌گیرد (Sanjari & Ahmadian, 2020). مهم‌ترین مصادیق ضررهای شرفی عبارتند از: تهدید به افشای اسرار خصوصی و خانوادگی، تهدید به انتشار تصاویر یا فیلم‌های خصوصی و مستهجن، تهدید به نشر اکاذیب و نسبت دادن امور خلاف واقع، که می‌تواند به‌صورت جرم افترا نیز قابل تعقیب باشد، تهدید به فاش‌سازی روابط پنهانی و خصوصی، تهدید به اعلام وضعیت مالی یا شغلی نامناسب و نیز تهدید به معرفی فرد به‌عنوان مرتکب جرم یا تخلف اخلاقی نزد مقامات رسمی یا نزد خانواده و اقوام. از آنجا که عزت و آبرو در فرهنگ ایرانی - اسلامی از جایگاهی رفیع و قابل توجه برخوردار است، قانونگذار با جرم‌انگاری تهدید به ضررهای شرفی، کوشیده است حمایت کیفری گسترده‌ای از این ارزش مهم به عمل آورد. با این حال، اثبات این نوع تهدید در محاکم قضایی با دشواری‌های خاصی مواجه است؛ زیرا تهدیدکننده در بسیاری از موارد از الفاظ کنایی و مبهم استفاده می‌کند و دادگاه ناگزیر است با توسل به قرائن و اوضاع و احوال، وقوع تهدید به ضرر شرفی را احراز نماید.

یک نکته بسیار مهم که در تحلیل موضوع جرم تهدید نباید از نظر دور داشت، آن است که ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، تهدید

ایران برای هدایت قضات در این مسیر، شش معیار اساسی را ترسیم کرده‌اند.

معیار عرفی و موقعیتی

اشاره داشتیم که در حقوق کیفری ایران، با توجه به اینکه ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، تهدید را شامل «به هر نحو» دانسته است، تشخیص تهدید ضمنی از بیان عادی، مزاح یا هشدار منطقی، به اتکای دو معیار مکمل عرفی و موقعیتی صورت می‌پذیرد که هر یک در دکترین حقوقی و رویه قضایی به تفصیل تبیین شده‌اند. معیار عرفی بدین معناست که برای تشخیص تهدیدآمیز بودن یک رفتار غیرصریح، باید از منظر یک فرد متعارف در جامعه و بر اساس فهم عمومی و عرف رایج، رفتار مرتکب ارزیابی گردد و عرف در اینجا به عنوان منبعی پویا و زنده در تفسیر قوانین کیفری عمل می‌کند. در علم حقوق، قضاوت عرف به عنوان ملاک و معیار سنجش بسیاری از مفاهیم نامعین قانونی تلقی می‌شود؛ از آنجا که تهدید مفهومی نسبی و وابسته به بستر اجتماعی است، ضابطه تشخیص آن عرفی است و دادگاه نمی‌تواند صرفاً بر اساس برداشت شخصی خود، یک رفتار عادی را تهدیدآمیز تلقی نماید (Okhovat, 2010). در حقوق کیفری ایران، عرف غالباً به عنوان معیار سنجش این مفاهیم و برای تعیین حدود و ثغور آنها به کار گرفته می‌شود. در چارچوب تهدید ضمنی، معنای تهدید در عرف عمومی همان معنایی است که قانونگذار در ماده ۶۶۹ آن را جرم‌انگاری کرده است؛ یعنی بیان رفتار نامشروعی که مرتکب می‌خواهد آن را انجام دهد. اگر رفتار مرتکب در عرف جامعه به نحوی تفسیر شود که فرد معمولی و منطقی آن را حمل بر اعلام ضرر در آینده نماید و از آن بیمناک گردد، واجد عنوان تهدید ضمنی خواهد بود. در این میان، عرف به عنوان یکی از منابع حقوق کیفری، نقش مهمی در تفسیر قوانین جزایی و تعیین مصادیق آنها ایفا می‌کند و از این جهت لازم است اقدامات مناسب به منظور

جلوگیری از تطبیق عدالت، با استفاده از همین معیار عرفی صورت گیرد (Abbasi & Madadi Matek, 2025).

معیار موقعیتی نیز در کنار معیار عرفی، به مجموعه قرائن و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه اطلاق می‌شود که دادگاه با بررسی آنها به کشف قصد واقعی مرتکب و تهدیدآمیز بودن رفتار وی دست می‌یابد؛ به دلیل فقدان عبارت صریح در تهدید ضمنی، تهدید امری نسبی است که با توجه به وضعیت طرفین مورد قضاوت قرار می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین قرائن موقعیتی عبارتند از: نخست، سابقه روابط طرفین که شامل وجود عداوت و دشمنی قدیمی، سابقه اختلافات ملکی، مالی یا خانوادگی، و وجود پرونده‌های قبلی در محاکم قضایی می‌شود و ارتباط مستقیم با احراز عنصر روانی جرم دارد؛ زیرا در صورت وجود سابقه عداوت، احتمال قصد مجرمانه مرتکب به مراتب بیشتر از وضعیتی است که طرفین رابطه عادی یا دوستانه دارند. دوم، لحن کلام و حرکات بدنی که می‌تواند شامل صدای بلند و خشن، حرکات تند دست و صورت، نشان دادن سلاح یا اشیاء خطرناک، و هرگونه رفتار غیرکلامی دیگری باشد که عرفاً دلالت بر قصد ایراد ضرر دارد. ماده ۶۶۹ با عبارت «به هر نحو» به توضیح رفتارهای تهدیدآمیز غیرزبانی را نیز در قلمرو جرم تهدید داخل کرده است؛ بنابراین، صرف اشاره به چاقو یا اسلحه در شرایط نزاع، بدون بیان هیچ لفظی، می‌تواند مصداق تهدید ضمنی محسوب شود. سوم، موقعیت مکانی و زمانی؛ تهدید در خلوت یا در جمع، در محیط کار یا در منزل شخص، تهدید در شب‌هنگام یا در روز، و تهدید در ایام خاص که احتمال استرس و اضطراب فرد بالاست، مانند ایام امتحانات، ایام عزاداری یا ایام دعاوی قضایی، همگی می‌توانند به عنوان قرائن موقعیتی در تعیین تهدیدآمیز بودن رفتار مورد استناد دادگاه قرار گیرند. همچنین باید توجه داشت که اولاً تهدیدکننده قادر به انجام آن باشد، ثانیاً با توجه به وضعیت تهدیدشونده احتمال وقوع آن باشد. این شرط که مبین معیار موقعیتی از حیث توانایی عرفی

نقش قصد مجرمانه و ایجاد خوف معقول

در حقوق کیفری ایران، احراز جرم تهدید منوط به اجتماع دو رکن اساسی در کنار یکدیگر است: نخست، وجود قصد مجرمانه یا سوءنیت خاص در رفتار مرتکب، و دوم، ایجاد خوف معقول در شخص تهدیدشونده. این دو رکن به گونه‌ای درهم تنیده و مکمل یکدیگر عمل می‌کنند که فقدان هر یک از آنها، حتی در صورت وجود رفتار ظاهراً تهدیدآمیز، انتساب عنوان مجرمانه تهدید را با

مانع جدی مواجه می‌سازد ([Mohammadi Fardouei, 2019](#)).

بر اساس قواعد عمومی حاکم بر جرایم عمدی، اثبات عنصر روانی، یعنی قصد مجرمانه، از ارکان تفکیک‌ناپذیر تحقق جرم محسوب می‌گردد، چه این جرم به صورت صریح واقع شده باشد و چه به صورت ضمنی. مطابق ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، مستوجب مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. در این ماده، عبارت «به هر نحو» به صراحت دایره شمول تهدید را گسترش داده است، اما قانونگذار در هیچ جای آن از نیاز یا عدم نیاز به احراز قصد مجرمانه سخن به میان نیاورده است. با این حال، دکترین و رویه قضایی ایران بر این نکته اصرار دارند که برای تحقق تهدید ضمنی، مرتکب باید بالغ و عاقل، با علم و قصد خود، مرتکب اقدام تهدیدآمیز شده باشد. به بیان دقیق‌تر، قصد مجرمانه در تهدید ضمنی از دو جزء علم و قصد تشکیل می‌شود: علم به این معنا که مرتکب بداند رفتار او، چه لفظی و چه غیرلفظی، در شرایط و اوضاع و احوال موجود، عرفاً ایجاد خوف و ترس می‌کند؛ و قصد بدین معنا که هدف اصلی و انگیزه مرتکب از انجام آن رفتار، ایجاد رعب و وحشت در شخص تهدیدشونده باشد ([Safdari & Barghi, 2016](#)). در این میان، عدم تفکیک دقیق میان سوءنیت عام و خاص در متون قانونی ایران، عملاً بار اثبات قصد مجرمانه را بر دوش دادگاه‌ها می‌گذارد و آنها را ناگزیر می‌سازد تا با توسل به قرائن و اوضاع و احوال قضیه، نیت واقعی مرتکب را کشف

مرتکب برای اجرای تهدید است، به این معناست که اگر شخص ناتوانی که از لحاظ قوای جسمی ضعیف است، ورزشکاری قوی‌هیکل را تهدید به قتل نماید، تهدیدکننده عرفاً توانایی انجام مورد تهدید را نسبت به تهدیدشونده ندارد و نمی‌توان گفت مؤثر در تهدیدشونده بوده، بنابراین جرم تهدید محقق نخواهد شد. به علاوه، تهدید امری نسبی است که با توجه به وضعیت تهدیدشونده و تهدیدکننده مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

در رویه قضایی و نظریات مشورتی نیز به این دو معیار توجه ویژه شده است. به موجب نظریه مشورتی شماره ۱۰۱۹/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، تحقق جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، منوط به حضور مخاطب یا در علن بودن اظهار یا اعمال تهدیدآمیز نیست؛ لیکن با توجه به اینکه اثبات وقوع تهدید مستلزم احراز شرایط عرفی و موقعیتی مقارن با واقعه است. همچنین بر اساس نظریه شماره ۱۸۵/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۳۱ همان اداره کل، شرط تحقق جرائم توهین یا تهدید از طریق تلفن، استماع الفاظ یا عبارات تهدیدآمیز توسط طرف مقابل است و بنابراین در مواردی که تهدید از طریق تماس تلفنی صورت می‌پذیرد، دادگاه باید با بررسی لحن، محتوا و سایر قرائن موقعیتی موجود در مکالمه، وقوع تهدید ضمنی را احراز کند. در مجموع، معیار عرفی و موقعیتی به عنوان دو ضابطه مکمل و درهم تنیده، چارچوب نسبتاً روشن و عینی را برای قضات در تشخیص تهدیدهای ضمنی فراهم می‌آورند؛ هرچند که فقدان یک منبع قانونی مدون که این معیارها را به طور صریح تبیین کرده باشد، همچنان یکی از نقاط ضعف نظام کیفری ایران در این حوزه محسوب می‌شود و ضرورت تدوین «معیار عرفی» به عنوان ملاک تشخیص نهایی، بیش از پیش آشکار می‌گردد.

کنند. نمونه‌ای از قرائن حاکی از وجود قصد مجرمانه عبارت است از سابقه عداوت و دشمنی طرفین؛ به‌عنوان مثال، اگر دو نفر سابقه اختلافات مالی یا ملکی طولانی در دادگاه داشته باشند و یکی از آنها در اوج این اختلافات، عبارات تهدیدآمیز ضمنی به کار ببرد، این سابقه دشمنی به‌عنوان یک قرینه قوی برای احراز قصد مجرمانه تلقی می‌شود. همچنین لحن تهدیدآمیز و تداوم رفتار تهدیدآمیز، یعنی ارسال پیام‌های مکرر با محتوای مبهم در فواصل زمانی کوتاه، و نیز عدم وجود انگیزه مشروع، از دیگر قرائنی هستند که دادگاه را در اثبات قصد مجرمانه یاری می‌دهند. بر اساس قاعده حقوقی شناخته‌شده، پس مجرد خوف از کسی یا چیزی تهدید به شمار نمی‌آید، بلکه بیم و ترس فاعل باید از عمل تهدیدآمیز معاون ناشی شده باشد، و به این ترتیب، احراز تهدید امری موضوعی و موکول به بررسی مجموع قرائن و شواهد موجود است. از سوی دیگر، رویه قضایی ایران به‌صراحت تأکید دارد که تحقق جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، منوط به حضور مخاطب یا در علن بودن اظهار یا اعمال تهدیدآمیز نیست، اما این حکم به معنای بی‌نیازی از اثبات قصد مجرمانه نیست. در این چارچوب، قصد مجرمانه شخص در ایجاد تشویش و اضطراب در مجنی‌علیه، جزء لاینفک رکن معنوی جرم تهدید محسوب می‌شود.

نکته حائز اهمیت دیگر آنکه قصد مجرمانه و ایجاد خوف معقول در جرم تهدید ضمنی، دو رکن مستقل اما مکمل یکدیگرند. دادگاه در فرآیند استدلال کیفری، نخست باید به بررسی قرائن موجود بر وجود قصد مجرمانه در مرتکب بپردازد و سپس ارزیابی کند که آیا این قصد مجرمانه در عالم خارج، به ایجاد خوف معقول در شخص تهدیدشونده منجر شده است یا خیر. به عبارت دیگر، وجود قصد مجرمانه به‌تنهایی برای تحقق جرم تهدید کافی نیست، بلکه باید اثر روانی آن، یعنی خوف معقول، نیز در مخاطب حادث شده باشد. در مقابل، صرف ایجاد خوف و ترس در مخاطب نیز

نمی‌تواند بدون اثبات قصد مجرمانه مرتکب، جرم تهدید را محقق سازد. این رابطه دوطرفه و متقابل میان قصد مجرمانه و خوف معقول، حاصل رویکردی است که حقوق کیفری ایران در مواجهه با جرایم مطلق، از جمله تهدید، اتخاذ کرده است. در این رویکرد، عنصر روانی، یعنی قصد ایجاد رعب و وحشت در بزه‌دیده، همراه با عنصر مادی، یعنی ایجاد بالفعل خوف معقول، دو رکن بنیادین تحقق جرم تهدید محسوب می‌شوند و فقدان هر یک، مانع از انتساب عنوان مجرمانه به مرتکب می‌گردد. در رویه قضایی ایران، به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با تهدید از طریق پیامک و تماس تلفنی، دادگاه‌ها بر همین مبنا عمل می‌کنند و پیش از صدور رأی محکومیت، هر دو رکن قصد مجرمانه، که غالباً از طریق لحن تهدیدآمیز، تداوم تماس‌ها و سابقه دشمنی احراز می‌شود، و خوف معقول، که از طریق واکنش تهدیدشونده نظیر اعلام به مراجع قضایی، گزارش پزشکی قانونی دال بر اضطراب و اختلال در کارکردهای روزمره، و اظهارات شهود احراز می‌شود، را مورد بررسی دقیق قرار می‌دهند.

رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۰۳۰۰۸۹۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۹ از جمله آرای است که در آن دادگاه با استناد به ماده ۶۶۹ و با احراز همزمان سوءنیت خاص مرتکب، از طریق تداوم مزاحمت‌های تلفنی و وجود سابقه اختلاف، و ایجاد خوف معقول در شاکی، از طریق گزارش پزشکی قانونی و اظهارات شهود، رأی بر محکومیت صادر کرده است (Sadeghi, 2014). در مجموع، می‌توان گفت نقش قصد مجرمانه و ایجاد خوف معقول در کنار یکدیگر، چارچوبی دقیق و نسبتاً روشن را برای قضات در تشخیص و احراز تهدید ضمنی فراهم می‌آورد و از تضييع حقوق متهمان، در صورت فقدان یکی از این دو رکن، و نیز بزه‌دیدگان، در صورت لزوم وجود هر دو رکن، جلوگیری می‌کند. هرچند که همچنان کاستی‌هایی در قوانین موضوعه وجود دارد، از جمله عدم تصریح به لزوم احراز «خوف

اکثر قریب به اتفاق موارد، تهدید ضمنی در خلوت و دور از دید و شنود دیگران صورت می‌گیرد و تنها دو طرف ماجرا، یعنی تهدیدکننده و تهدیدشونده، از محتوای دقیق آن آگاه هستند. از آنجا که به موجب اصول حقوقی، اعتراف یکی از قوی‌ترین ادله اثبات جرم محسوب می‌شود، در تهدید ضمنی نیز اگر متهم در مراحل تحقیقاتی یا در دادگاه به تهدید اقرار کند، این اعتراف می‌تواند مستند محکمه قرار گیرد. با این حال، در عمل، متهمان تهدید ضمنی به ندرت به قصد مجرمانه خود اعتراف می‌کنند و غالباً رفتار خود را در قالب شوخی، مزاح ساده یا اعلام هشدار منطقی توجیه می‌نمایند.

مصادیق، اشاره، سکوت، قرائن

به تصریح دکترین حقوق کیفری ایران، تهدید مندرج در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی که علمای حقوق آن را تهدید و اخاذی هم خوانده‌اند، به‌عنوان جرمی مستقل، شامل تهدید به قتل، ضررهای نفسی یا شرافتی یا مالی و یا افشای سری نسبت به خود یا بستگان مجنی‌علیه قابل مجازات است و تهدید امری نسبی است که با توجه به وضعیت تهدیدشونده و تهدیدکننده مورد قضاوت قرار می‌گیرد و ضابطه تشخیص عرفی است. بدین ترتیب، در ادامه به بررسی مهم‌ترین مصادیق تهدید ضمنی شامل اشاره و حرکت بدنی، سکوت و بهره‌گیری از قرائن و اوضاع و احوال به تفصیل پرداخته می‌شود. اشاره و حرکت بدنی، یعنی تهدید غیرزبانی، مهم‌ترین مصادیق تهدید ضمنی که در رویه قضایی ایران نیز به کرات مورد استناد قرار گرفته است، تهدید از طریق اشارات و حرکات بدنی می‌باشد. قانونگذار با عبارت «به هر نحو» در ماده ۶۶۹، این نوع از تهدید را به‌طور ضمنی پذیرفته است، به‌گونه‌ای که اگر شخصی با استفاده از حرکات دست، سر، چشم، ابرو و سایر اعضای بدن، تهدیدکننده محسوب شود و در مخاطب ایجاد خوف و ترس نماید، جرم تهدید محقق خواهد شد. به‌عنوان مثال، نشان دادن چاقو یا اسلحه در حین نزاع، مشت گره‌کرده به نشانه

معقول» در متن ماده ۶۶۹، اما رویه قضایی و دکترین حقوقی ایران تا حدود زیادی توانسته‌اند این خلأ قانونی را با توسل به اصول کلی حاکم بر حقوق کیفری و تفسیر منطقی از ماده ۶۶۹ پر کنند. مطابق نظریه مشورتی شماره ۱۹۹۰/۹۹/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، تهدید به ارتکاب جرم که در بند «الف» ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان مصداقی از معاونت در جرم تلقی شده است، در مواردی که تهدید ضمنی منجر به تحریک یا ترغیب مخاطب به ارتکاب جرم گردد، شخص تهدیدکننده ممکن است هم به مجازات مقرر در ماده ۶۶۹، برای جرم تهدید مستقل، و هم به مجازات معاونت در جرم ارتكابی محکوم گردد، به شرط آنکه هم قصد مجرمانه و هم ایجاد خوف معقول در مخاطب احراز شده باشد. این نظریه مشورتی از آن جهت حائز اهمیت است که به‌صراحت به ارتباط تنگاتنگ میان قصد مجرمانه و ایجاد خوف معقول اشاره دارد و دادگاه‌ها را در تشخیص مصادیق تهدید ضمنی و تعیین کیفر متناسب یاری می‌کند. در نهایت، حقوق کیفری ایران در مواجهه با تهدیدهای ضمنی، با تکیه بر این دو رکن بنیادین، رویکردی متوازن و معقول اتخاذ کرده است؛ رویکردی که از یک سو از حقوق بزه‌دیدگان در برابر حملات روانی پنهان صیانت می‌کند و از سوی دیگر، با رعایت اصل براءت و تفسیر مضیق قوانین کیفری، از محکومیت افراد در موارد فقدان قصد مجرمانه یا فقدان خوف معقول جلوگیری می‌نماید.

۳- چالش‌های اثباتی و رویه قضایی

جرم تهدید ضمنی به دلیل فقدان بیان مستقیم و صریح از سوی مرتکب، همواره با چالش‌های اثباتی متعددی در فرآیند دادرسی کیفری مواجه بوده است و این چالش‌ها از مرحله طرح شکایت تا مرحله صدور رأی قطعی، دادگاه‌ها را ناگزیر از توسل به ادله غیرمستقیم و تفسیر مبتنی بر قرائن می‌سازد. نخستین و مهم‌ترین چالش اثباتی در این حوزه، فقدان ادله مستقیم و ملموس است؛ در

حمله قریب‌الوقوع، قرار دادن انگشت اشاره روی گلولی خود به نشانه قتل، و به‌طور کلی هر حرکت بدنی که از عرف جامعه بتوان آن را به‌عنوان اعلام ضرر جانی، مالی، شرفی یا افشای اسرار تفسیر کرد، در زمره تهدید ضمنی قلمداد می‌شود. به‌صراحت در برخی منابع حقوقی آمده است که این جرم می‌تواند به‌صورت شفاهی، کتبی، یا از طریق اشارات و حرکات انجام شود و برای تحقق این جرم، لزومی به وقوع ضرر نیست؛ صرف تهدید به وقوع ضرر کافی است (Rahimi & Mahdavi Sabet, 2019).

در همین راستا، نظریه مشورتی شماره ۱۶۳۶/۱۴۰۰/۷ مورخ ۰۱/۰۶/۱۴۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز به‌صراحت به این موضوع اشاره دارد که اگر فردی با چاقو دیگری را تهدید به ایراد جرح کند و بلافاصله هم تهدید خود را عملی نموده و جراحاتی وارد کند، حسب مورد، هم جرم تهدید و هم جرم ایراد ضرب و جرح برای وی قابل مجازات است (Abbaszadeh, 2012). همچنین در رویه قضایی، استفاده از ایموچی‌های تهدیدآمیز، مانند چاقو، تفنگ، آتش، جمع‌جمه و مشت گره‌کرده، در فضای مجازی و پیام‌رسان‌ها نیز به‌عنوان مصادیقی از تهدید ضمنی از طریق اشاره و حرکت تلقی می‌شود و بر اساس معیار عرف و فهم عموم مردم، در صورتی که مجموع اوضاع و احوال و سابقه روابط طرفین، قراین تهدیدآمیز بودن را تقویت کند، دادگاه می‌تواند بر همین اساس حکم به محکومیت صادر نماید. از جمله مصادیق رایج دیگر می‌توان به نوشتن عبارات رمزآلود و تهدیدآمیز روی دیوار منزل یا محل کار شخص، و ارسال عکس‌ها یا فیلم‌های تهدیدآمیز از طریق پیام‌رسان‌های اجتماعی اشاره کرد که همگی در قالب ماده ۶۶۹ و ذیل عبارت «به هر نحو» قابل ارزیابی و تعقیب کیفری هستند.

یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مصادیق تهدید ضمنی، تهدید از طریق سکوت است. سکوت در حقوق کیفری ایران اگرچه به‌عنوان یک رفتار ایجابی نمی‌تواند به‌تنهایی موجب جرم

تهدید باشد، اما در مواردی که سکوت توأم با قرائن و شواهد قوی، مانند سابقه دشمنی، وجود اختلافات مالی و ملکی سابق، لحن تهدیدآمیز همراه با حرکات بدنی تند و خشن، یا در مواردی که سکوت در مقام پاسخ به یک خواسته یا اولتیماتوم معنا پیدا می‌کند و عرفاً به‌عنوان نشانه پذیرش تهدید یا اعلام خطر قریب‌الوقوع تعبیر می‌شود، می‌تواند جزو مصادیق تهدید ضمنی محسوب گردد (Zare & Shams, 2018). به‌عنوان نمونه، اگر شخصی پس از شنیدن عبارتی تهدیدآمیز از جانب دیگری، با سکوت طولانی و معنادار، به همراه نگاه‌های خیره و نافذ یا حرکات سر که حکایت از تهدید و خطر دارد، واکنش نشان دهد، چنین سکوتی می‌تواند از منظر عرف و در مجموع اوضاع و احوال قضیه، تهدیدی علیه طرف مقابل تلقی شود و در صورت احراز خوف معقول در مخاطب، جرم تهدید تحقق یابد. در دکترین حقوقی ایران، به این نکته اشاره شده است که برای تحقق جرم تهدید باید وضعیت تهدیدشونده به نحوی باشد که احتمال وقوع فعل تهدید را بدهد. بنابراین، سکوت تهدیدآمیز نیز در صورتی که در بستر موقعیتی مناسب و به نحوی باشد که عرفاً در شخص معقول ایجاد خوف و ترس نماید، در قلمرو ماده ۶۶۹ قابل پذیرش است. با این حال، بر اساس قواعد عمومی حقوق کیفری و به استناد نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، جرایم توهین و تهدید در زمره جرایم مطلق بوده و صرف استعمال الفاظی دال بر توهین و تهدید سبب وقوع جرم می‌شود. اما در سکوت که اساساً فاقد استعمال لفظ است، باید به قرائن و شواهد جانبی توجه بیشتری مبذول داشت (Okhovat, 2010). از جمله این قرائن می‌توان به سابقه عداوت و دشمنی طرفین، وجود اختلافات ملکی، مالی یا خانوادگی حل‌نشده و مکان و زمان تهدید، خلوت یا جمع و شب‌هنگام یا روز، اشاره کرد که می‌توانند بر قصد تهدیدآمیز بودن سکوت دلالت داشته باشند. به علاوه، چنانچه سکوت از ناحیه مرتکب همراه با رفتارهای جانبی دیگر، مانند نشان دادن اسلحه، ایستادن

در حالت آماده‌باش یا دنبال کردن مکرر شخص تهدیدشونده باشد، جمع این قرائن می‌تواند دادگاه را به احراز تهدید ضمنی رهنمون سازد.

قرائن و اوضاع و احوال، یعنی مجموعه شرایط حاکم بر قضیه: همان‌طور که ملاحظه شد، تشخیص مصادیق تهدید ضمنی، اعم از اشاره، سکوت و سایر رفتارهای غیرصریح، تقریباً در تمامی موارد مستلزم بهره‌گیری از مجموع قرائن و اوضاع و احوال قضیه است. دادگاه برای اینکه بتواند به درستی یک رفتار مبهم را تهدیدآمیز ارزیابی کند، ناگزیر است به عوامل متعددی توجه نماید که از آن جمله می‌توان به موقعیت مکانی، تهدید در خلوت یا در جمع، در محیط کار یا در منزل شخص؛ موقعیت زمانی، تهدید در شب‌هنگام یا در روز، تهدید در ایام خاص و استرس‌زا مانند ایام امتحانات، ایام دادرسی، ایام عزا و غروسی؛ سابقه روابط طرفین، وجود عداوت و دشمنی قدیمی، سابقه اختلافات مالی، ملکی، خانوادگی، پرونده‌های قبلی در محاکم قضایی؛ لحن کلام و حرکات بدنی، صدای بلند و خشن، حرکات تند دست و صورت، نشان دادن سلاح، چاقو و اشیاء خطرناک، حرکات تهدیدآمیز چشم و ابرو؛ و در فضای مجازی مواردی نظیر استفاده از کلمات خاص، ایמוجی‌های تهدیدآمیز، مانند چاقو، تفنگ، آتش، جمجمه، ارسال عکس یا فیلم تهدیدآمیز، شماره تلفن ناشناس یا ساختگی، تکرار پیام در ساعت‌های نامتعارف، و توانایی عرفی مرتکب برای اجرای تهدید اشاره کرد. در این میان، قابلیت انجام تهدید شرط مهمی است که برخی از حقوقدانان بر آن تأکید کرده‌اند؛ بدین معنا که اولاً تهدیدکننده قادر به انجام آن باشد، ثانیاً با توجه به وضعیت تهدیدشونده، احتمال وقوع آن باشد. بنابراین، اگر تهدیدکننده به لحاظ جسمی، روحی، ابزاری و یا توانایی عرفی قادر به اجرای تهدید خود نباشد، مانند شخص ناتوانی که از لحاظ قوای جسمی ضعیف است و ورزشکاری قوی‌هیکل را تهدید به قتل می‌کند، جرم تهدید محقق نخواهد شد (Rahimi & Mahdavi).

(Sabet, 2019). به علاوه، تعداد دفعات تهدید و تداوم رفتار تهدیدآمیز و عدم وجود انگیزه مشروع از جمله قرائنی هستند که دادگاه را در احراز قصد مجرمانه مرتکب یاری می‌دهند. رویه قضایی ایران در این زمینه به نحوی است که قضات ناگزیرند با بررسی دقیق و همه‌جانبه این قرائن و با بهره‌گیری از معیار عرف و فهم عموم مردم و معیار شخص معقول در موقعیت مخاطب، از خلط میان تهدید ضمنی با مزاح ساده، هشدار منطقی و شوخی دوستانه جلوگیری کرده و رأی عادلانه و مستدل صادر نمایند. رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران در پرونده شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۰۳۰۰۸۹۲ از جمله آرای است که در آن دادگاه با استناد به مجموعه قرائن، از جمله سابقه اختلاف طرفین و تداوم مزاحمت‌های تلفنی، تهدید ضمنی را محقق دانسته و بر اساس ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی رأی به محکومیت صادر کرده است. در مجموع، می‌توان گفت مصادیق تهدید ضمنی، اعم از اشاره و حرکت و سکوت و بهره‌گیری از قرائن، هرچند از حیث اثبات و تشخیص با دشواری‌های خاصی مواجه هستند، اما رویه قضایی نسبتاً منسجم و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه تا حدود زیادی توانسته است راهگشای دادرسان در مواجهه با این مصادیق باشد.

مشکلات اثبات و آرای محاکم

اثبات جرم تهدید ضمنی در حقوق کیفری ایران به دلیل فقدان بیان مستقیم و صریح از سوی مرتکب، همواره با مشکلات و پیچیدگی‌های فراوانی مواجه بوده است و این چالش‌ها از مرحله طرح شکایت تا مرحله صدور رأی قطعی، دادگاه‌ها را ناگزیر از توسل به ادله غیرمستقیم و تفسیر مبتنی بر قرائن می‌سازد. یکی از اصلی‌ترین مشکلات اثباتی، فقدان ادله مستقیم و ملموس در بسیاری از موارد است؛ زیرا تهدید ضمنی غالباً در خلوت و دور از دید و شنود دیگران صورت می‌گیرد و تنها دو طرف ماجرا از محتوای دقیق آن آگاه هستند. به موجب بند «الف» ماده ۱۶۰ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ادله اثبات جرم در نظام کیفری ایران عبارتند از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی (Sarijani & Masteri Farahani, 2020). اگرچه به موجب ماده ۱۶۰، علم قاضی نیز در ردیف ادله اثبات جرم قرار گرفته است، اما در تهدیدهای ضمنی که ماهیتاً واجد ابهام و عدم قطعیت هستند، احراز قطعی و یقینی برای قاضی بسیار دشوار است و دادگاه‌ها با توسل به اصل مجموع قرائن و اوضاع و احوال قضیه، ناگزیر از استنباط قصد مجرمانه مرتکب هستند. بدین ترتیب، اولاً تهدیدکننده قادر به انجام آن باشد، ثانیاً با توجه به وضعیت تهدیدشونده احتمال وقوع آن باشد و تهدید امری نسبی است که با توجه به وضعیت تهدیدشونده و تهدیدکننده مورد قضاوت قرار می‌گیرد و ضابطه تشخیص عرفی است (Alkaei & Babaei Kukandeh, 2025). در این میان، اعتراف متهم به‌عنوان یکی از قوی‌ترین ادله اثبات جرم می‌تواند دادگاه را در تشخیص تهدید ضمنی یاری رساند، اما در عمل، متهمان تهدید ضمنی به ندرت به قصد مجرمانه خود اعتراف می‌کنند و غالباً رفتار خود را در قالب شوخی، مزاح ساده، هشدار منطقی یا ابراز ناراضایتی عادی توجیه می‌نمایند. چالش دیگر، دشواری اثبات قصد مجرمانه در غیاب الفاظ صریح است. تهدید ضمنی به دلیل ماهیت غیرمستقیم خود، احراز سوءنیت خاص مرتکب را با پیچیدگی مضاعفی مواجه می‌سازد و دادگاه نمی‌تواند به‌سادگی از روی عبارت تهدیدآمیز به قصد و نیت مرتکب پی ببرد. مطابق اصول حاکم بر حقوق کیفری، «عنصر ذهنی یا اختیاری: برای اینکه عملی به‌عنوان جرم تلقی شود، مجرم باید با سوءنیت و عمد آن را انجام دهد؛ یعنی باید قصد تهدید یا ترساندن طرف مقابل را داشته باشد.» بنابراین، بار اثبات قصد مجرمانه در تهدید ضمنی بر عهده دادستان و شاکی است و این امر در مواردی که تهدید به‌صورت مبهم و کنایی صورت گرفته، بسیار دشوار و گاه غیرممکن می‌گردد.

از سوی دیگر، اثبات ایجاد خوف معقول در شخص تهدیدشونده نیز یکی از چالش‌های اثباتی مهم در این حوزه به شمار می‌رود. تهدید از جمله جرایمی است که تحقق آن منوط به تأثیر روانی بر مخاطب می‌باشد و صرف صدور تهدید بدون ایجاد ترس و وحشت در شخص تهدیدشونده، جرم تهدید را محقق نمی‌سازد. مطابق با دیدگاه غالب در دکتین حقوق کیفری، هرگاه شخصی به نحوی از انحاء، تهدید به مرگ، ضرر جسمی، معنوی، مالی یا افشای اسرار خود یا نزدیکان کند، مجازات خواهد شد و وقوع جرم تهدید نیازی به استفاده از الفاظ ندارد؛ هر رفتاری که طرف مقابل را به ارتکاب عمل غیرقانونی ترغیب کند، می‌تواند تهدید به حساب آید. با این وجود، اثبات این تأثیر روانی در مقام عمل با دشواری‌های متعددی روبه‌روست و شاکی باید به‌گونه‌ای قاضی را متقاعد سازد که تهدید مزبور واقعاً در وی ایجاد خوف و ترس کرده و این ترس به حدی بوده که آسایش خاطر و اراده آزاد او را مختل ساخته است. در رویه قضایی، وجود شهود عینی که همزمان با وقوع تهدید در محل حضور داشته و رفتار مرتکب و واکنش بزه‌دیده را مشاهده کرده‌اند، می‌تواند اثبات جرم را به مراتب آسان‌تر سازد. بر اساس قواعد عمومی حاکم بر ادله اثبات، شهادت شهود در تمامی نظام‌های حقوقی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ادله اثبات جرم مطرح می‌باشد. اما در تهدیدهای ضمنی که غالباً در خفا و بدون حضور شاهدان عینی صورت می‌گیرد، شاکی عمدتاً ناچار است به سایر ادله، از جمله ادله الکترونیک، مانند پیامک‌ها، چت‌ها، ایمیل‌ها، اسکرین‌شات‌ها و هر نوع پیام تهدیدآمیز که قابل ارائه به دادگاه باشد، نظریه کارشناسی روان‌پزشکی قانونی مبنی بر ایجاد اختلال در کارکردهای روانی ناشی از تهدید، و اظهارات خود متکی باشد. به موجب ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک، پیامک به‌عنوان یکی از ادله الکترونیکی برای اثبات جرم محسوب می‌شود و شخص با اسکرین‌شات از پیامک‌ها می‌تواند جرم را اثبات کند. همچنین، در صورت وجود هرگونه سند مکتوب یا

دیجیتال حاوی عبارات تهدیدآمیز، از قبیل ایمیل، چت، پیامک، فایل صوتی و تصویری، این مستندات می‌توانند به‌عنوان ادله مستقیم قابل ارائه به دادگاه باشند (Sadeghi Neshat, 2014). چالش دیگر در عرصه اثبات تهدید ضمنی، تفکیک آن از مفاهیم مشابه حقوقی و عرفی مانند مزاح ساده، شوخی دوستانه، هشدار منطقی و ابراز نارضایتی عادی است. بر اساس قواعد عمومی حقوق کیفری، تهدید لازم است به ارتکاب اعمال غیرقانونی باشد و اگر شخص صرفاً قصد اعلام یک خطر واقعی، مانند هشدار به مسافران در مورد جاده لغزنده، را داشته باشد یا در مقام نصیحت و خیرخواهی سخن بگوید، به دلیل فقدان قصد مجرمانه، جرم تهدید محقق نخواهد شد. اما در عمل، تشخیص مرز میان بیان تهدیدآمیز و بیان هشداردهنده همواره محل مناقشه میان دادگاه‌ها بوده و به تشتت آرای قضایی انجامیده است.

رویه قضایی ایران در دهه اخیر، به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با تهدید از طریق پیامک و تماس تلفنی، رویکردی نسبتاً موسع نسبت به پذیرش تهدید ضمنی اتخاذ کرده و با استناد به عبارت «به هر نحو» در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، تهدیدهای غیرصریح را نیز در زمره مصادیق این جرم قرار داده است. در رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، این امر استقرار یافته است که چنانچه پیام ارسالی حاوی عبارات تهدیدآمیز باشد، صرف‌نظر از اینکه تهدید بالفعل محقق شده باشد یا خیر، جرم تهدید را تشکیل می‌دهد و دادگاه مکلف به تعیین مجازات متناسب است. همچنین در مواردی که تهدید توأم با توهین باشد، دادگاه‌ها با استناد به قواعد تعدد جرم، مجازات متناسب با هر یک از جرایم را تعیین و سپس با اعمال قواعد تعدد، میزان نهایی مجازات را مشخص می‌نمایند. رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران در پرونده شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۰۳۰۰۸۹۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۹ از جمله آرای است که در آن دادگاه با استناد به ماده ۶۶۹ و با احراز همزمان سوءنیت خاص مرتکب، از طریق تداوم مزاحمت‌های تلفنی و وجود سابقه

اختلاف، و ایجاد خوف معقول در شاکی، از طریق گزارش پزشکی قانونی و اظهارات شهود، رأی بر محکومیت صادر کرده است. در این رأی، دادگاه به‌صراحت اعلام داشته است که با توجه به اقرار متهم در مرحله تحقیقات، متن پیامک‌های مستخرجه حاوی مطالب توهین‌آمیز و تهدیدآمیز و افترا هستند و برخلاف دفاع وکیل متهم، زیرا دفاع وکیل متهم مبنی بر اینکه تهدید ضمنی محقق شده است. این رأی نشان‌دهنده آن است که حتی در مواردی که متهم به‌طور صریح به تهدید اقرار نکرده است، دادگاه می‌تواند با استناد به مجموع قرائن موجود، از جمله محتوای پیامک‌ها، سابقه اختلاف و اظهارات شهود، به احراز تهدید ضمنی مبادرت ورزد.

نظریه شماره ۱۹۹۰/۹۹/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز از جمله مهم‌ترین نظریات مشورتی در این حوزه است که به گستره مصادیق تهدید به‌عنوان معاونت در جرم پرداخته است. در این نظریه، اداره کل حقوقی تصریح کرده است که تهدید به ارتکاب جرم که در بند «الف» ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌عنوان مصادیق از معاونت در جرم تلقی شده است، در مواردی که تهدید ضمنی منجر به تحریک یا ترغیب مخاطب به ارتکاب جرم گردد، شخص تهدیدکننده ممکن است هم به مجازات مقرر در ماده ۶۶۹، برای جرم تهدید مستقل، و هم به مجازات معاونت در جرم ارتكابی محکوم گردد، به شرط آنکه هم قصد مجرمانه و هم ایجاد خوف معقول در مخاطب احراز شده باشد. این نظریه مشورتی از آن جهت حائز اهمیت است که به‌صراحت به ارتباط تنگاتنگ میان قصد مجرمانه و ایجاد خوف معقول در تهدید ضمنی اشاره دارد و دادگاه‌ها را در تشخیص مصادیق تهدید ضمنی و تعیین کیفر متناسب یاری می‌کند. افزون بر این، در برخی از آرای محاکم، قضات با استناد به همین نظریه مشورتی، به بررسی رابطه میان تهدید ضمنی و تحقق جرم دیگر، به‌عنوان مثال، اخاذی، تهدید به افشای اسرار در ازای دریافت مال، پرداخته و در صورت احراز رابطه سببیت، مرتکب را به مجازات

مضاعف محکوم کرده‌اند. همچنین باید به این نکته اشاره کرد که طبق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جرم تهدید از جمله جرایم قابل گذشت محسوب می‌شود و جز با شکایت شاکی خصوصی آغاز نمی‌شود و در صورت رضایت و اعلام گذشت شاکی، حسب مورد موجب صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بررسی قلمرو جرم تهدید در حقوق کیفری ایران با تأکید بر تهدیدهای غیرصریح و ضمنی نشان می‌دهد که ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات با بهره‌گیری از عبارت کلیدی «به هر نحو» و احصای موضوعات پنج‌گانه، یعنی قتل، ضررهای نفسی، ضررهای شرفی، ضررهای مالی و افشای سری، ظرفیت قانونی قابل توجهی برای پذیرش و جرم‌انگاری طیف گسترده‌ای از رفتارهای تهدیدآمیز غیرزبانی و غیرمستقیم فراهم ساخته است. این ظرفیت قانونی، دادگاه‌های کیفری ایران را قادر ساخته است تا در مواردی که عبارات و الفاظ به‌روشنی دلالت بر قصد ایراد ضرر ندارند، با اتکا به قرائن و اوضاع و احوال قضیه، از جمله سابقه دشمنی طرفین، موقعیت مکانی و زمانی، لحن کلام، حرکات بدنی، ایموژی‌های تهدیدآمیز در فضای مجازی، و نیز توانایی عرفی مرتکب در اجرای تهدید، به احراز تهدید ضمنی و صدور رأی محکومیت مبادرت ورزند. با این حال، پژوهش حاضر آشکار ساخت که این انعطاف‌پذیری قانونی و قضایی، اگرچه از یک سو به حمایت مؤثر از امنیت روانی شهروندان و صیانت از اراده آزاد آنان در برابر حملات پنهان و غیرمستقیم یاری می‌رساند، از سوی دیگر به دلیل فقدان معیارهای عینی و شفاف قانونی برای تشخیص مصادیق تهدید ضمنی، همواره با خطر تفسیر موسع و بی‌ضابطه، تشتت آرای قضایی، نقض اصل قانونی بودن جرایم و تضییع حقوق دفاعی متهمان، از جمله اصل برائت و تفسیر مضیق قوانین کیفری، مواجه بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که

چالش‌های اثباتی متعددی از جمله فقدان ادله مستقیم، دشواری احراز قصد مجرمانه در غیاب الفاظ صریح، اثبات خوف معقول در شخص تهدیدشونده، و تفکیک تهدید ضمنی از مفاهیم مشابهی چون مزاح ساده، هشدار منطقی و شوخی دوستانه، همچنان به‌عنوان موانع جدی در فرآیند دادرسی عادلانه و یکنواخت باقی مانده‌اند. رویه قضایی ایران با وجود اتخاذ رویکرد نسبتاً موسع در پرونده‌های مرتبط با تهدید از طریق پیامک و تماس تلفنی، از جمله رأی دادگاه تجدیدنظر استان تهران شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۰۳۰۰۸۹۲، و نیز نظریات مشورتی ارزشمند اداره کل حقوقی قوه قضاییه، از جمله نظریه شماره ۱۹۹۰/۹۹/۷ مورخ ۲۵/۰۲/۱۴۰۰ و نظریه شماره ۶۶۰/۹۶/۷ مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۹۶، تا حدود زیادی توانسته است خلأهای تقنینی موجود را پوشش دهد، اما کاستی‌ها و ابهامات همچنان پابرجاست و ضرورت اصلاح قانونی و تدوین ضوابط شفاف، بیش از پیش احساس می‌شود.

در این راستا و بر اساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای ذیل به منظور ساماندهی قلمرو جرم تهدید ضمنی، کاهش تشتت آرای قضایی، تضمین دادرسی عادلانه و تحقق اهداف بازدارنده و اصلاحی نظام کیفری ارائه می‌گردد. پیشنهاد می‌شود قانونگذار با اصلاح ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و افزودن بندی جداگانه یا تصویب ماده واحده الحاقی، معیارهای عینی و روشن تشخیص تهدید ضمنی را به‌طور صریح تبیین نماید. این معیارها می‌تواند شامل ارجاع به عرف جامعه و فهم عموم مردم، معیار شخص معقول در موقعیت مخاطب، لزوم احراز قصد جدی مرتکب در ایجاد خوف، قابلیت عرفی مرتکب برای اجرای تهدید، تأکید بر نقش مجموع قرائن و اوضاع و احوال قضیه، از جمله سابقه دشمنی، موقعیت مکانی و زمانی، لحن کلام، حرکات بدنی، و تداوم رفتار تهدیدآمیز، و شرط وصول تهدید به مخاطب باشد. به گواهی دکترین حقوقی، تدوین چنین معیارهایی نه تنها موجبات وحدت رویه قضایی و کاهش تشتت آرای محاکم را فراهم

حفظ گزینه‌های حبس و شلاق، که به دلیل آثار بازدارندگی کماکان کارآمد هستند، گزینه‌های مجازات جایگزین نظیر جزای نقدی متناسب با وضعیت مالی مرتکب، خدمات عمومی رایگان، دوره‌های آموزشی و مشاوره روان‌شناسی، به‌ویژه برای مرتکبان اولیه و جرایم با شدت کم، را نیز پیش‌بینی نماید. این رویکرد نه‌تنها با سیاست‌های کلی قوه قضائیه در توسعه مجازات‌های جایگزین حبس همسو است، بلکه می‌تواند در بازاجتماعی‌شدن بزه‌کاران و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مؤثر واقع شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The crime of threat constitutes one of the most significant offenses against psychological security and individual freedom of will in the Iranian criminal justice system. Although traditional legal discourse has primarily focused on explicit threats expressed through direct and unambiguous language, contemporary social interactions, digital communications, and evolving forms of interpersonal coercion have increasingly highlighted the importance of implied and non-explicit threats. Article 669 of the Islamic Penal Code (Ta'zirat Section) employs the phrase "by any means whatsoever," thereby extending the scope of criminalization beyond verbal declarations and encompassing indirect, symbolic, contextual, and non-verbal forms of threatening conduct. This legislative formulation reflects the intention of the lawmaker to protect individuals from a broad spectrum of behaviors capable of producing fear, anxiety, and psychological distress. Nevertheless, the interpretation of implied threats presents substantial doctrinal and practical difficulties because criminal law

می‌آورد، بلکه از جرم‌انگاری بی‌ضابطه رفتارهای عادی و مزاحمت‌های ساده نیز جلوگیری می‌کند. همچنین پیشنهاد می‌شود در موارد تهدید ضمنی که اثبات خوف معقول در تهدیدشونده با دشواری مواجه است، دادگاه‌ها با تسهیل در پذیرش گزارش‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی قانونی، از جمله تشخیص اختلال اضطراب پس از سانحه، اختلال خواب، کاهش تمرکز و کارکردهای شغلی و تحصیلی، و نیز با استناد به اظهارات شهود غیرمستقیم و قرائن موجود، به احراز این رکن مبادرت ورزند. با این حال، باید توجه داشت که صرف ارائه گزارش روان‌شناسی بدون تکیه بر مجموع اوضاع و احوال قضیه، نمی‌تواند مبنای قانع‌کننده‌ای برای صدور رأی محکومیت باشد و دادگاه همواره باید اصل برائت و تفسیر به نفع متهم را رعایت کند. به علاوه، باید قانونگذار با بازنگری در مجازات‌های مقرر در ماده ۶۶۹، ضمن

simultaneously requires protection of public security and strict adherence to the principles of legality, certainty, and restrictive interpretation of penal provisions. Consequently, determining whether a particular gesture, silence, symbolic act, coded message, or ambiguous statement constitutes a criminal threat requires careful consideration of legal doctrine, customary social understandings, and judicial reasoning. Iranian legal scholarship has emphasized that threat offenses must be understood not merely as attacks against physical safety but also as infringements upon personal autonomy and psychological integrity. Accordingly, the legal framework governing threats is closely connected to broader principles relating to fault, causation, criminal intent, and social perceptions of fear and coercion (Ardabili, 2014; Emadi Kateb, 2014; Tajlili & Soleimani, 2016).

This study adopted a descriptive-analytical methodology based on library research, doctrinal analysis, and examination of judicial practice concerning the offense of threat in

Iranian criminal law. Particular attention was devoted to identifying the legal foundations and interpretive mechanisms employed by courts when addressing non-explicit and implied threats. The analysis focused on the three fundamental elements of the offense: the legal element derived primarily from Article 669 of the Islamic Penal Code, the material element consisting of conduct capable of conveying a future harm, and the mental element requiring criminal intent directed toward creating fear in another person. The study further examined jurisprudential principles, including the role of social custom and contextual interpretation in determining whether a specific behavior should be regarded as threatening. Since implied threats often lack direct verbal expression, courts are frequently required to evaluate surrounding circumstances, including prior hostility between the parties, the nature of their relationship, the location and timing of the incident, and the practical ability of the alleged offender to carry out the threatened act. The research also explored comparative doctrinal discussions concerning fault, reasonable fear, evidentiary standards, and the role of customary understanding in the interpretation of criminal provisions. The theoretical framework was informed by legal analyses concerning threat offenses, crimes against reputation and dignity, evidentiary principles, and the significance of custom in criminal adjudication (Goldouzian, 2004; Mohaghegh Damad, 2013; Okhovat, 2010; Rahimi & Mahdavi Sabet, 2019; Sanjari & Ahmadian, 2020).

The findings demonstrate that implied threats occupy a legally recognizable position within Iranian criminal law despite the absence of an explicit statutory definition. Judicial interpretation of the phrase “by any means whatsoever” has enabled courts to encompass various forms of indirect threatening behavior, including symbolic gestures, threatening

movements, coded messages, electronic communications, and conduct whose threatening character emerges only through contextual interpretation. The study revealed that the decisive criterion is not the linguistic form of the communication but rather its objective capacity to generate fear in a reasonable person under the circumstances of the case. Consequently, a threat may exist even when no explicit statement of intended harm is expressed, provided that the surrounding circumstances clearly indicate an intention to intimidate or coerce the victim. Courts frequently rely on contextual evidence such as previous disputes, patterns of communication, the presence of weapons, intimidating physical conduct, repeated contacts, or other indicators demonstrating a hostile purpose. At the same time, judicial authorities generally attempt to distinguish criminal threats from ordinary jokes, casual remarks, emotional expressions, warnings, or socially acceptable interactions. This distinction is particularly important because an excessively broad interpretation of implied threats may conflict with principles of legal certainty and freedom of expression. The research indicates that judicial practice increasingly recognizes the importance of contextual interpretation while simultaneously seeking to preserve the restrictive nature of criminal liability through careful examination of the facts of each case (Abbaszadeh, 2012; Aghaeinia, 2010; Badini, 2010; Okhovat, 2010; Rahimi & Mahdavi Sabet, 2019).

Another significant finding concerns the central role of criminal intent and reasonable fear in establishing liability for implied threats. The analysis revealed that the existence of fear alone is insufficient to establish criminal responsibility; rather, courts must determine whether the alleged offender intentionally engaged in conduct designed to create fear and whether that fear would be considered reasonable under

prevailing social standards. Criminal intent in implied threat cases is rarely proven through direct evidence and is therefore inferred from objective circumstances surrounding the incident. Indicators such as prior hostility, persistent threatening conduct, symbolic references to violence, unusual timing or location, and the offender's practical capacity to execute the threatened harm are frequently relied upon by judges when evaluating intent. Similarly, the concept of reasonable fear functions as an objective limitation on criminal liability by preventing purely subjective reactions from serving as the sole basis for conviction. The study found that Iranian courts often evaluate the reaction of a hypothetical reasonable person situated in the position of the victim rather than relying exclusively upon the victim's personal feelings. This approach reflects broader doctrinal developments concerning fault, reasonableness, and evidentiary assessment. Furthermore, the analysis demonstrates that implied threats communicated through modern technologies, including text messages, social media platforms, and electronic communications, have intensified the importance of contextual interpretation because threatening intentions are often conveyed through images, symbols, emojis, coded language, or repeated patterns of communication rather than direct verbal declarations (Alkaei & Babaie Kukandeh, 2025; Badini, 2010; Mohammadi Fardouei, 2019; Sadeghi Neshat, 2014; Safdari & Barghi, 2016). The evidentiary challenges associated with implied threats emerged as one of the most important themes of the research. Unlike explicit threats, which can often be proven through direct testimony or documentary evidence, implied threats frequently depend upon circumstantial evidence and judicial inference. As a result, courts must evaluate a complex combination of factors, including witness testimony, electronic

communications, behavioral patterns, contextual circumstances, and expert opinions. The study found that electronic evidence has acquired increasing significance in contemporary litigation involving threats, particularly because many threatening interactions now occur through digital platforms. Screenshots, electronic messages, emails, audio recordings, and other forms of digital evidence often provide crucial support for establishing both criminal intent and the existence of reasonable fear. Nevertheless, reliance on circumstantial evidence creates risks of inconsistency and subjective interpretation. Judicial decisions therefore emphasize the necessity of examining the totality of circumstances rather than relying upon isolated pieces of evidence. The research also revealed that social custom continues to play a substantial role in evidentiary evaluation because many forms of implied threats derive their meaning from shared cultural understandings rather than explicit linguistic content. Consequently, the interpretation of threatening conduct frequently depends upon the interaction between legal norms, social expectations, and contextual realities. This dynamic relationship highlights both the flexibility and the uncertainty inherent in the adjudication of implied threat cases within the Iranian legal system (Abbasi & Madadi Matek, 2025; Okhovat, 2010; Sadeghi Neshat, 2014; Sarijani & Masteri Farahani, 2020; Zare & Shams, 2018). The study concludes that Iranian criminal law possesses sufficient doctrinal and statutory foundations to recognize and punish implied threats, particularly through the broad language employed in Article 669 of the Islamic Penal Code. Judicial practice has demonstrated a growing willingness to address contemporary forms of intimidation occurring through indirect, symbolic, and technologically mediated communications. At the same time, the absence of explicit statutory

criteria governing the identification of implied threats continues to generate interpretive uncertainty and evidentiary challenges. The findings suggest that a balanced approach is required—one that protects individuals from psychological coercion and intimidation while simultaneously safeguarding legality, predictability, and individual freedoms. Future legal development should therefore focus on establishing clearer interpretive standards for identifying implied threats, enhancing judicial training regarding contextual and digital evidence, and promoting greater consistency in judicial decision-making. Such reforms would strengthen the protection of psychological security while preserving the fundamental guarantees of fairness and legal certainty that characterize a modern criminal justice system.

References

- Abbasi, M., & Madadi Matek, L. (2025). The Role of Custom in Determining the Limits of Fault and Civil Liability in the Iranian Legal System. Fifteenth International and National Conference on Management, Accounting, and Law Studies, Abbaszadeh, M. (2012). *The Crime of Threat against Physical Integrity in Iranian Criminal Law: The Subject of Articles 617, 668, and 669* University of Mazandaran].
- Aghaeinia, H. (2010). *Specialized Criminal Law: Crimes against Persons, Moral Personality* (4th ed.).
- Alkaei, M. M., & Babaei Kukandeh, F. Z. (2025). Examining the Position of Probabilistic Evidence in Proving Crime. Twenty-First International Conference on Legal and Judicial Studies, Ardabili, M. A. (2014). *General Criminal Law, Volume 2*. Mizan Legal Foundation Publications.
- Badini, H. (2010). A Critical View of the Criterion of the Reasonable and Ordinary Person for Determining Fault in Civil Liability. *Private Law Studies Quarterly*, 40(1).
- Emadi Kateb, N. (2014). *Threat in Iranian Criminal Law* University of Qom].
- Goldouzian, I. (2004). *Specialized Criminal Law* (6th ed.). Mizan Publishing.
- Mohaghegh Damad, S. M. (2013). *Jurisprudential Maxims: Criminal Section*. Center for Islamic Sciences Publishing.
- Mohammadi Fardouei, A. (2019). Criminal and Civil Liability Arising from Injuries and Damages Inflicted during Sleep and Unconsciousness. *Lawyar Electronic Journal of Legal Research*, 2(6).
- Mohammadi Qaleh Sefidi, R., & Khodadadi Dashtaki, K. (2024). A Comparative Study of Duress in Iranian, English, and French Law. Tenth International Conference on Islamic Sciences, Religious Research, and Law, Muzaffar, M. R. (1993). *Logic*. Dar al-Ilm Publications.
- Okhovat, M. A. (2010). Manifestations of the Approach to Custom in the Iranian Criminal System. *Legal Research Quarterly*, 13(2).
- Rahimi, M. M., & Mahdavi Sabet, M. A. (2019). The Crime of Threat in Iranian and United States Criminal Law. *Legal Research*(85).
- Sadeghi Neshat, A. (2014). Validation of Electronic Documents. *Private Law Research Quarterly*, 3(8).
- Safdari, M., & Barghi, M. M. (2016). Analysis of the Mental Element of the Crime of Threat. Third Conference on the Grounds of Financial and Administrative Corruption in the Iranian Legal System with an Approach to Reforming and Developing the Legal System, Sanjari, G., & Ahmadian, Z. (2020). Crimes against Reputation in the Iranian Criminal Legal System. *Scientific Quarterly of Modern Jurisprudence and Law*, 2(6).
- Sarijani, A., & Masteri Farahani, R. (2020). Comparison of Criminal Oath with Other Evidence for Proving Crimes. *Research and Development in Comparative Law Quarterly*, 3(9).
- Tajlili, N., & Soleimani, I. (2016). Examining the Crimes Covered by Articles 668 and 669 of the 1996 Ta'zirat Law. First National Conference on Futures Studies, Humanities, and Social Security, Zare, A., & Shams, Z. (2018). The Effect of Silence in the Iranian Legal Community. Fifth National Conference on Law and Judicial Studies, Zeraat, A. (2006). *Specialized Criminal Law: Crimes against Persons* (3rd ed.). Qoqnoos Publishing.